Archive of SID

دوفصلنامهٔ علمی ـ پژوهشی
جستارهای اقتصادی ایران
س۱۶، ش۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸
صفحات ۱۴۹-۱۷۶

Biquarterly Journal
of
Iran's Economic Essays
Vol.16, No.32, Autumn & Winter 2019-2020

بررسی نسبت کارایی و عدالت در اقتصاد اسلامی در مقایسه با مفهوم کارایی در اقتصاد متعارف

علیرضا لشکری*

چکیده

قواعد و اصولی که جامعه را در بهره‌برداری از منابع و امکانات و همچنین توزیع مواهب میان آحاد جامعه سامان می‌بخشد از مباحث بنیانی عرصه نظریه‌های علوم اجتماعی است. کارایی نمادی از رشد بوده و به‌عنوان سازوکاری برای تنظیم مناسبات جامعه شناخته می‌شود. از سویی طرفداران عدالت اجتماعی در دهه‌های اخیر با یادآوری لزوم توجه بیش از پیش به آن، عدالت را به‌عنوان والاترین معیار برای سازماندهی جامعه مطرح کرده‌اند. این دو رویکرد اخیر تقابل میان کارایی و عدالت را به یکی از منازعات محوری اقتصاددانان تبدیل نموده و نسبت این دو مفهوم را به سؤالی اساسی تبدیل کرده است.

این مقاله براساس بررسی منابع و اسناد معتبر و با استفاده از روش توصیفی–تحلیلی، نسبت عدالت و کارایی در نظام اقتصادی اسلام را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد کارایی مؤثرترین استفاده از منابع و ابزاری برای تحقق عدالت بوده و در نتیجه تقابلی میان این دو مفهوم وجود ندارد.

واژگان کلیدی: کارایی، کمیابی، عدالت، منابع، هدف، رفاه‌گرایی، فرا رفاه‌گرایی.

طبقه‌بندی JEL: A13, D01, D61, D63, I31.

* استادیار اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه alilashkari@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳

www.SID.ir

Archive of SID

۱. مقدمه

چگونگی ساختارهای جامعه در استفاده از منابع در تولید و توزیع مواهب اولیه و امکانات و محصولات در جامعه از مباحث مهم و تمایزبخش نظام‌های اقتصادی است. پاسخ به سؤالات متداول و مرسوم نظام‌های اقتصادی در مورد محصول تولیدی و چگونگی تولیدی آن و برای که بودن آن در حقیقت تعیین ترتیباتی است که اسکلت‌بندی ساختمان یک جامعه را شکل می‌دهد و مسیر حرکت جامعه را به سوی آرمان‌های آن تعیین می‌کند. آشکار است که پاسخ به سؤالات یادشده مبتنی بر نوع نگرشی است که در مورد اهداف تشکیل جامعه وجود دارد.

کارایی که نمادی از اهمیت رشد اقتصادی است، یکی از راه‌حل‌هایی است که در راستای پاسخ به سؤالات یاد شده ارائه و با استقبال گسترده اقتصاددانان و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی مواجه شده است. این شیوه به‌طور مستمر مورد استفاده اقتصاددانان قرار گرفته و در دهه‌های اخیر قلمرو آن به حوزه دیگر علوم انسانی نظیر حقوق نیز رسیده است. بدیهی است که ابتناء مناسبات جامعه براساس کارایی ممکن است موجد برخی تعارضات با پاره‌ای از اهداف و آرمان‌های نظام‌های اجتماعی و اقتصادی شود. عدالت از جمله اهدافی است که نسبت آن با کارایی همواره از سوی نظریه‌پردازان علوم اجتماعی مورد توجه و منازعه بوده است.

عدالت به‌مثابه یکی از والاترین آرمان‌های انسانی انگیزه‌ای برای جنبش‌ها و حتی انقلاب‌های انسان بوده و همواره معیاری برای ارزیابی نهادهای اجتماعی محسوب شده است. براساس تعریفی که از عدالت می‌شود این مفهوم می‌تواند در تخصیص منابع، بدیلی برای مفهوم کارایی باشد و بر همین اساس بررسی نسبت مفاهیمی مانند کارایی و عدالت در تعیین نوع ترتیبات اجتماعی مهم است.

۲. پیشینه کارایی و عدالت در ادبیات اقتصاد اسلامی

ازآنجاکه ایده کارایی به روشنی نسبت به عدالت بی‌اعتناست، به‌طورطبیعی اندیشه اسلامی را، که بر عدالت تأکید دارد، به چالش می‌کشد و اندیشمندان مسلمان را ناگزیر از موضع‌گیری در مورد رابطه کارایی و عدالت می‌کند.

منذر قحف (۲۰۱۴) می‌نویسد: دو هدف کارایی و عدالت در همه نظام‌ها، از جمله نظام اقتصادی اسلامی، مشترک است؛ اما تعاریف دقیق، اندازه‌گیری‌ها و ابزارها یا وسایل دستیابی هم به کارایی، به‌عنوان مظهر رشد یا توسعه، و هم به توزیع عادلانه که معمولاً مظهر عدالت اقتصادی است، به سیستم ارزشی اقتباس و یا پذیرفته شده در یک اقتصاد و یا جامعه خاص وابسته است. تأکید بیشتری که بر آزادی شخصی در نظام سرمایه‌داری صورت می‌گیرد و تأکید بیشتری بر جمع در سیستم سوسیالیستی از قبیل این ارزش‌هاست.

www.SID.ir

Archive of SID

هدف اصلی نظام اقتصاد سرمایه‌داری بهبود رفاه همه است و این امر از طریق بهره‌وری واحدهای مختلف اندازه‌گیری می‌شود. از منظر کارایی، هر فرد سهیم در تولید به اندازه بهره‌وری‌اش سهمی از درآمد را به دست می‌آورد و این سهم منصفانه هم هست. بدین ترتیب از طریق کارایی هر دو هدف رشد و عدالت به دست می‌آید؛ با این ملاحظه که عدالت توزیعی در امتداد کارایی اقتصادی قرار می‌گیرد.

از نظر قحف نظام سرمایه‌داری به‌دلیل تأکید بیشتر بر آزادی فردی کارایی را در رتبه‌ای بالاتر از عدالت قرار می‌دهد؛ اما در نظام‌های سوسیالیستی به جامعه اهمیت بیشتری داده و منافع جمعی را در رتبه‌ای بالاتر قرار می‌دهد. در نظام اقتصادی اسلامی نیز بر افزایش رشد یا تولید کارآمد، تمرکز وجود دارد؛ در همان حال که این درآمد به انباره ثروت و بهبود توزیع آن در جامعه/ اقتصاد افزوده می‌شود، نظام اقتصادی اسلامی تلاش می‌کند این دو هدف در بستری از شأن و مقام انسان تحقق یابد. به عبارت دیگر، اسلام هدف سوم یعنی احترام، بهبود و ارتقای شأن انسانی را می‌افزاید. در نتیجه، سه هدف نظام اقتصادی اسلامی به صورت زیر مطرح است:

۱. بهبود توزیع ثروت و درآمد براساس دستورالعمل «توزیع عادلانه‌تر بهتر است»؛ ۲. افزایش کارایی تولید ثروت و درآمد؛ ۳. احترام به عزت انسان و افزایش توجه و وضعیت اجتماعی آن.

قحف در این تبیین کارایی را در عرض عدالت و کرامت جزء اهداف نظام اسلامی قرار می‌دهد؛ اما در مورد ماهیت کارایی از نظر اسلام سخنی نمی‌گوید و این به معنای آن است که کارایی را به همان معنای مرسوم و شناخته شده می‌پذیرد.

چپرا (۱۳۸۴) تعریف مرسوم کارایی را با وارد کردن قیودی اقتباس می‌کند. از نظر وی مناسب‌ترین تعریف آن است که در هماهنگی با اهداف مادی به‌طورعام پذیرفته شده باشد و می‌گوید ممکن است بگوییم اقتصاد در صورتی دارای کارایی مطلوب است که توانسته باشد کل ظرفیت منابع انسانی و منابع در دسترس را طوری به کار گیرد که حداکثر مقدار ممکن نیازمندی‌ها با تولید محصولات و خدمات تأمین شده و با درجه معقولی از ثبات اقتصادی، و نرخ پایدار رشد آینده همراه شود. وی برای لحاظ موضوع عدالت می‌گوید: ممکن است گفته می‌شود که یک اقتصاد در صورتی به بهینه عادلانه و منصفانه دست یافته که محصولات و خدمات تولیدشده به گونه‌ای توزیع شود که نیازهای همه افراد به اندازه کافی تأمین شود و توزیع عادلانه درآمد و ثروت وجود داشته باشد، بدون اینکه بر انگیزه کار، صرفه‌جویی، سرمایه‌گذاری و اقدام به فعالیت‌های نوآورانه تأثیر بگذارد. ازآنجایی‌که اساساً سیستم‌های اقتصادی در مواجهه با (حل) مسئله تحقق کارایی و عدالت هستند، معقول‌ترین رویکرد، اقتباس و اتخاذ نظام اقتصادی است که به تحقق هردو (کارایی و عدالت) کمک کند.

www.SID.ir

Archive of SID

بدین‌ترتیب چپرا هر چند برای اینکه یک اقتصاد به وضعیت بهینه نائل شود کارایی صرف را کافی نمی‌داند و بر لزوم تحقق عدالت تأکید می‌کند، اما متعرض تعریف کارایی و تعارض احتمالی آن با عدالت نمی‌شود. گویا مفهوم کارایی مرسوم و متداول با عدالت مورد نظر اسلام می‌توانند کاملاً هماهنگ باشند.

دادگر (۱۳۷۸) در مورد معنای کارایی بر همان معنای مرسوم مشی می‌کند و دو اصل عدالت و مصالح جمعی را به‌عنوان محدودیت‌هایی برای کارایی در نگرش اسلامی ذکر می‌کند. در نظر وی نخست با بی‌شمار نقطه کارا مواجهیم و باید از میان آنها نقاطی را انتخاب کنیم که با اصل عدالت و همچنین مصالح عمومی سازگار است. درحقیقت با توجه به اینکه می‌توان از میان بی‌نهایت نقطه کارآمد، هر نوع گزینشی صورت گیرد، باید روشن شود که کدام ترکیب کالایی به صلاح فرد و جامعه است. یک معیار برای گزینش ترکیب مذکور عنصر و محدودیت عدالت است.

از نظر وی دیدگاه کلی اسلام از کارآیی و رفاه چارچوبی را ترسیم می‌کند که اولاً در آن اتلاف منابع وجود ندارد و ثانیاً تولیدات مربوطه در کمترین هزینه ممکن صورت گرفته و ثالثاً همان تولیدات بین مصارف مختلف به‌گونه‌ای توزیع شده است که مصرف‌کننده‌ها بیشترین منافع و مطلوبیت‌های ممکن را کسب کرده‌اند. ازاین‌رو نظام هم از لحاظ فنی کارآمد است و هم از جهت اقتصادی توجیه کافی دارد؛ زیرا اسلام با حفظ اصول ارزشی خود، تلاش و تولید و رشد و بهره‌وری را مورد تأکید قرار می‌دهد و تحقق زمینه‌های زندگی متناسب، سالم و شرافتمندانه مادی را برای حصول به تعالی معنوی لازم می‌داند. بنابراین اسلام و اقتصاد ناشی از آن (با حفظ مبانی و فرض ثبات سایر شرایط) مؤید وضعیت کاراست.

نتیجه این است که در نظر وی عدالت و مصالح عمومی امری مترتب بر تشکیل نقاط کارا می‌باشد؛ اما پس از تشکیل نقاط کارا دیدگاه اسلامی برخی از نقاط را کارا تلقی نمی‌کند؛ زیرا برخی از مطلوبیت‌هایی که بر آن اساس کارایی شکل می‌گیرد ممکن است از نظر اسلام پذیرفته شده نباشد «**عسی ان تکرهوا شیئاً و خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئاً و هو شر لکم**». با این همه تأیید اسلام در مورد برخی نقاط کارا مبین این نکته است که کارایی اقتصادی در معنای مرسوم آن، موضوع تأیید و یا عدم تأیید نگرش اسلامی است؛ در حالی که ممکن است موضوع مورد مطالعه ما مقومات معنای کارایی از دیدگاه اسلام، از جمله عدالت باشد.

عیوضلو (۱۳۸۹) ضمن بررسی کارایی در اقتصاد و رابطه آن با عدالت در اسلام کارایی را در قالب واژه جدید و برگرفته از ادبیات اقتصاد اسلامی، «قوام»، مورد استفاده قرار می‌دهد. این مفهوم می‌تواند نسبت مشخص‌تر و معنادارتری با عدالت در اسلام داشته باشد. از نظر وی کارایی به معنای قرار گرفتن اموال در موضع قوام آن است. معنای مطلق عدالت نیز قرار گرفتن هر چیز در

www.SID.ir

Archive of SID

موضع بایسته و شایسته آن است و وضع بایسته اقتصادی به مکتب اقتصادی وابسته بوده و هدف هر مکتب را نشان می‌دهد. با عنایت به اینکه این موضوع، الزامات خود در حوزه نگرش حقوقی به اموال را به همراه دارد، استفاده و تخصیص اموال و منابع باید با رعایت عدالت موجبات قوام و استواری جامعه و فرد را فراهم آورد. در این صورت قوام در بهره‌برداری از اموال و منابع به معنای موضع مناسب هر چیز برای رسیدن به آثار مفید آن و معادل «کارایی فنی» در ادبیات اقتصادی است. مفید بودن هر چیز نیز به ارزش‌های اسلامی وابستگی دارد و بدین‌ترتیب کارایی همان تخصیص مطلوب عوامل و منابع تولید و کالاها و خدمات برای «ایجاد بالاترین حداکثرسازی رضایت‌مندی حقیقی» در جامعه است.

به‌طور خلاصه هدف، قوام و استواری جامعه است و برای این منظور باید منابع به‌طور عادلانه مورد استفاده قرار گرفته و موجب برقراری عدالت در جامعه شود. در این صورت اموال در موضع قوامی قرار گرفته‌اند؛ قرار گرفتن در موضع قوامی در سه بخش و یا سه مرحله معیار عدالت اقتصادی را تحقق می‌بخشد: اول کارایی فنی؛ دوم کارایی تخصیصی و سوم اصل جبران.

بدین‌ترتیب معیاری که در مرحله تخصیص منابع قوام و به عبارتی عادلانه بودن را تأمین می‌کند کارایی فنی است.

«قوام در مصرف» یا کارایی تخصیصی و توازن درآمدها به معنای رعایت اعتدال در مصرف است. مالی که مال خداست و به صورت ودیعه در اختیار ماست باید به نحو شایسته‌ای مصرف شود.[۱] حد مجاز مصرف حد متعارف و متعادل و متوازن از کالاها و خدمات در جامعه است.

نکته قابل تأمل در این مورد آن است که کارایی فنی به معنای معهود و شناخته شده اقتصادی مبتنی بر ارزش‌هایی، نظیر حداکثرسازی تولید و مطلوبیت است. اگر چنین مبنایی در مرحله تولید پذیرفته شود، باید عدالت به‌مثابه هدف نادیده گرفته شده و به مرحله توزیع (که وی با نام کارایی تخصیصی از آن یاد می‌کند) واگذار شود؛ اما در صورتی که منظور از «آثار مفید هر چیز» عدالت نیز باشد، عدالت هدف و اثر مفید تخصیص منابع بوده و کارایی فنی در بیان وی، دارای معنایی متفاوت از معنای ادبیات اقتصادی است. در این صورت واژه «رضایت‌مندی حقیقی» در تعریف از کارایی (تخصیص مطلوب عوامل و منابع تولید و کالاها و خدمات برای ایجاد بالاترین حداکثرسازی رضایت‌مندی حقیقی) به معنای حداکثرسازی مطلوبیت (utility) نمی‌تواند باشد. به عبارت دیگر قوام براساس لحاظ عدالت معنا پیدا می‌کند.

رنانی (۱۳۸۵) با عنایت به این نکته که عدالت در مورد منابع و عوامل تولید به معنای این است

۱. وَ الَّذینَ إذا أَنْفَقُوا لَمْ یُسْرِفُوا وَ لَمْ یَقْتُرُوا وَ کانَ بَیْنَ ذلِکَ قَوامًا.

www.SID.ir

Archive of SID

که از منابع به صحیح‌ترین شیوه استفاده شود (عدالت تخصیصی) و از سویی بهترین استفاده از منابع همان کارایی است نتیجه می‌گیرد که کارایی اقتصادی بیان اقتصادی «عدالت تخصیصی» است؛ بنابراین ملاک تخصیص منابع در مرحله تولید، کارایی اقتصادی است و در مرحله توزیع مواهب است که باید به عدالت توزیعی اندیشید. از نظر وی با توجه اینکه از نظر علم اقتصاد، در یک اقتصاد آزاد بازاری نمی‌توان به گونه‌ای عمل کرد که هم‌زمان و الزاماً هر دو نوع عدالت برقرار شود، علم اقتصاد مرسوم تمام توجه خود را به عدالت تخصیصی (کارایی) معطوف کرده است.

وی در ادامه این ادعا را می‌افزاید که تجربه‌های بشری فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد جوامعی که توجه اصلی آنها بر عدالت تخصیصی بوده است و همه شرایط را برای تحقق آن فراهم آورده‌اند، در بلندمدت به سوی عدالت توزیعی نیز حرکت کرده‌اند؛ اما تقریباً هیچ تجربه بشری وجود ندارد که نشان دهد جامعه‌ای با تمرکز صرف بر عدالت توزیعی توانسته باشد در بلندمدت به عدالت تخصیصی نیز دست یابد. بدین‌ترتیب دولت‌ها موظفند بیش و پیش از هر چیز زمینه‌های تحقق عدالت تخصیصی را فراهم آورند و پس از دستیابی به حد قابل قبولی از این هدف، آنها مجازند به سوی سیاست‌گذاری برای تحقق عدالت توزیعی بروند.

ملاحظه می‌شود که این دیدگاه با فرو کاستن عدالت در مرحله تولید به کارایی، و نهادن نام عدالت تخصیصی بر آن، کمترین ارزش را برای عدالت در قبال کارایی قائل بوده و در نهایت عدالت را معلول و پیامد تعقیب رشد اقتصادی و کارایی اقتصادی می‌داند و عدالت را در جایگاه ترتب بر کارایی می‌نشاند. این مقاله در جای خود این دیدگاه و نسبت عدالت و کارایی را از دیدگاه اسلام مورد اشاره قرار می‌دهد.

امیری و همکاران (۱۳۹۱) نیز در مورد عدالت تخصیصی تعریفی شبیه رنانی ارائه می‌دهند و آن را به مرحله تولید اختصاص می‌دهند. آنها با دسته‌بندی تعاریف عدالت در سه دسته کلی این تعاریف را با موقعیتی پیوند می‌زنند که در اقتصاد می‌توانند احراز کنند ؛ دسته اول شامل تعاریفی است که عدالت را به معنای قرار دادن هر چیز در جای خود یا بهره بردن از آن براساس استحقاق می‌دانند. از نظر آنها این تعریف از عدالت می‌تواند با عدالت تخصیصی در اقتصاد انطباق یابد؛ دسته دوم از تعاریف عدالت، آن را به نوعی به معنای برابری می‌گیرند. از نظر وی این معنای از عدالت مقابل کارایی در اقتصاد قرار می‌گیرد. چنین تعریفی از عدالت با عدالت توزیعی در اقتصاد منطبق است؛ دسته سوم، عدالت را بیشتر مبتنی بر تعریف رالزی از عدالت، یعنی عدالت به‌مثابه انصاف می‌دانند. در این مفهوم حالتی عادلانه‌تر است که پایین‌ترین طبقه جامعه بیشترین رفاه را داشته باشند.

وی نتیجه می‌گیرد که از دیدگاه علم اقتصاد مرسوم، جوامع از هر سه مفهوم پیش‌گفته می‌توانند به عدالت توجه کنند. نخست هنگام تخصیص نهاده‌ها و امکانات به تأمین نیازها و امیال خود و

www.SID.ir

Archive of SID

دوم و سوم هنگام توزیع پیامدها و نتایج آن تخصیص بین اعضای جامعه. نتیجه چنین مقدماتی این است که عدالت تخصیصی همان کارایی اقتصادی است.

نکته قابل توجه در این مورد آن است که اگر عدالت به معنای قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود باشد، مسئله محوری این است که «مناسب بودن» بر چه اساس و مبنایی تعیین می‌شود؛ به‌دیگرسخن، چنین تعریفی متضمن غایتمند بودن قرار گرفتن چیزهاست؛ اما تعیین «غایت» براساس ارزش‌های هر مکتب صورت می‌پذیرد. نسبت دادن حداکثرسازی منفعت به‌عنوان «غایت تولید و تخصیص منابع»، که در مفهوم کارایی اقتصادی مندمج است، به مکتب اقتصادی اسلام، مصادره به مطلوب و غیرمنطقی است. این موضوع در بخش اهداف در این مقاله بررسی می‌شود.

به علاوه، از منظر اسلامی برای عدالت معانی متعددی ارائه نشده است و روایاتی که عدالت را به نهادن هر چیز در جای خود و دادن حق به ذیحق معنا کرده‌اند، میان مرحله تولید و توزیع تفکیک نکرده‌اند.[۱] بنابراین معنایی واحد از عدالت در سرتاسر اقتصاد اسلامی حاکم است. از سویی تعریف رالز نیز براساس برابری همگان نسبت به حق برخورداری از کالاهای اساسی است و چنانچه در مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت، در تقابل با کارایی قرار دارد.

سبحانی (۱۳۹۱) با ملاحظه معنای مخالف کارایی، یعنی حیف و میل، معتقد است به‌تحقیق حضور و وجود آن در نظام اقتصادی اسلام را می‌توان مشاهده کرد. وی معتقد است بحث کارایی در قالب انواع متفاوتی از کارایی در هر نظام اقتصادی می‌تواند به نحو یکسانی مطرح باشد. وی کارایی را به معنای مؤثرترین استفاده از منابع تولیدی معین (نیروی کار، مواد اولیه، ماشین‌آلات و...) می‌داند و چنین معنایی را در اقتصاد اسلامی به بالاترین حد و درجه خود موجود می‌یابد. حصول کارایی یعنی حالتی که امکان هیچ تخصیص مجددی از منابع برای افزایش تولید یک یا چند کالای نهایی بدون کاهش هم‌زمان تولید یک یا چند کالای نهایی دیگر وجود ندارد و این بیان به منزله حیف و میل نکردن منابع و استفاده بهینه از آنهاست که اسلام به آن بسیار توصیه کرده است. وی چون مبنای کارایی را فناورانه نمی‌داند آن را مایه افتراق نظام‌های اقتصادی نیز محسوب نمی‌کند.

اما سؤال این است که نظام‌های اقتصادی چه نوع از تخصیص منابع را کارا می‌دانند. درواقع سؤال از نفی و اثبات و وجود و عدم کارایی در اقتصاد اسلامی نیست؛ بلکه سؤال از ماهیت آن و رابطه آن با عدالت اقتصادی است.

---

۱. إِنَّ اللهَ لَمْ یتْرُک شَیئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلاَّ وقَدْ قَسَمَهُ، فَأَعْطی کلَّ ذِی حَقٍّ حَقَّهُ: الْخَاصَّةَ، والْعَامَّةَ، والْفُقَرَاءَ، والْمَسَاکینَ، وکلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ». فَقَالَ: لَوْ عُدِلَ فِی النَّاسِ لَاسْتَغْنَوْا (الکلینی، کافی، ۱۴۳۰ه. ق).

www.SID.ir

Archive of SID

۳. کارایی در اقتصاد متعارف

کارایی درعین‌حال که از مفاهیم اساسی اقتصاد، به‌ویژه اقتصاد خرد است و انعکاسی از ایده کمیابی و در چارچوب تخصیص منابع در اقتصاد می‌باشد، این ایده در روند رو به رشد سرمایه‌داری لیبرال و در راستای توسعه مفاهیمی که روند مزبور را تسهیل می‌بخشید مورد توجه و استقبال قرار گرفت. ازآنجایی‌که ایده‌پردازانی نظیر بنتام مطلوبیت[1] را خواسته اساسی فعالیت‌های انسان اعلام نمودند، حداکثرسازی مطلوبیت هدف انسان اقصادی معرفی شد. این حداکثرسازی با ملاحظه این نکته صورت می‌گیرد که منابع برای تحقق خواسته‌های بی‌شمار انسان‌ها محدود است و گریزی از انتخاب میان این خواسته‌ها نیست. بنابراین کارایی مفهومی برای تعریف حداکثرسازی نتایجی مانند مطلوبیت از داده‌هایی مانند منابع موجود است. ویلفرد پارتو نخستین کسی بود که تلاش نمود معیاری برای نشان دادن موقعیت حداکثرسازی مطلوبیت به دست دهد. مفهومی که پارتو از کارایی به دست داد گسترده‌ترین پذیرش را در میان اقصاددانان دارد (بوکانان، ۱۹۸۵).

بدین‌ترتیب کارایی در حقیقت‌نمایی از فلسفه وجودی اقتصاد است. بسیاری از اقتصاددانان، اقتصاد را تخصیص بهینه منابع تعریف می‌کنند. اقتصاد، چنانچه ماسگریو معتقد است، با استفادهٔ کارا از منابع برای تأمین بهترین خواسته‌های مصرف‌کننده مرتبط است. این دسته از اقتصاددانان میان کمبود منابع، انتخاب بهینه در استفاده از منابع که از طریق حداکثرسازی تحقق می‌یابد، رابطه‌ای وثیق برقرار می‌کنند. از نظر آنان بهترین انتخاب، آن است که با بیشترین میزان تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع موجود همراه شود.

بهینه پارتو در مصرف وضعیتی متصف به بهینه بودن یا کارایی است که نتوان مصرف یک فرد را بهبود بخشید، مگر آنکه مصرف حداقل یک فرد دیگر بدتر شود؛ به‌دیگرسخن افزایش مطلوبیت حاصل از مصرف یک فرد به هزینه کاهش مطلوبیت حداقل یک فرد دیگر ممکن باشد. در مدلی که مطلوبیت دو نفر نشان داده می‌شود، اگر با تغییر وضعیت بتوان مطلوبیت هر دو را بهبود بخشید، برتری پارتویی (Pareto Superior) نام دارد و در صورتی که وضعیت یک نفر بهبود یابد بدون آنکه وضعیت فرد دیگر تغییر کند، کارایی پارتو اتفاق افتاده است. این قضایا اصول پارتویی را تشکیل می‌دهند (بوکانان، ۱۹۸۵).

نتیجه نهایی استفاده از معیار کارایی این است که تمامی منابع موجود برای ایجاد مطلوبیت مورد استفاده قرار گرفته و هیچ عامل تولیدی بدون استفاده نماند. در کارایی پارتویی استفاده از تمام امکانات موجود مورد نظر اکید بود؛ اما اقتصاددانان ضمن اساس قرار دادن کارایی پارتویی، انواع دیگری از

1. utility

www.SID.ir

Archive of SID

کارایی را مورد استفاده قرار دادند. در این راستا گفته شد که تنها وجهه همت نباید استفاده از تمام منابع موجود باشد؛ بلکه بهینه بودن استفاده از منابع نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بنابراین مفهوم جدیدی از کارایی تحت عنوان کارایی اقتصادی مورد اهتمام قرار گرفت و کارایی قبلی که صرفاً بر اشتغال و به‌کارگیری همه منابع نظر (و عدم بیکاری و اهمال منابع) تأکید داشت کارایی فنی نامیده شد.

به‌دیگرسخن، هنگامی که تجزیه و تحلیل کارایی را برای کارکرد تولید به کار می‌بریم، مفهوم کارایی فنی در دستور کار است؛ ازاین‌رو در ادبیات اقتصادی مفهوم کارایی فنی به‌عنوان کارایی در تولید نیز نامیده شده است. در نتیجه ممکن است مفهوم کارایی را با استفاده از رویکرد نهاده و رویکرد داده به کارایی فنی و کارایی تخصیصی طبقه‌بندی کنیم. چنین تحلیلی براساس ارائه عملکرد تولید انجام می‌شود که در آن شرایط کارآمد و ناکارآمد تعیین می‌شود (توتولماز، ۲۰۱۴). در کارایی فنی با فرض ثبات عوامل تولید و دانش فنی، تخصیص عوامل تولید به‌گونه‌ای است که افزایش تولید یک کالا جز با کاهش تولید کالای دیگر ممکن نیست؛ اما در کارایی تخصیصی ترکیب بهینه عوامل با توجه به قیمت‌های عوامل دنبال می‌شود.

بدین‌ترتیب اقتصاددانان در مبحث کارایی وجهه همت خود را بر تولید متمرکز می‌کنند و مبحث توزیع را به مرحله‌ای پس از آن وامی‌نهند. از نظر ماسگریو تفکیک کارایی در تولید از توزیع، ترفندی بود که اقتصاددانان برای خلاصی از مباحث پرمناقشه توزیع به کار بردند (ماسگریو، ۱۹۸۹).

در کتب اقتصادی به هنگام استفاده از مفهوم کارایی پارتویی معمولاً شرایطی برای حوزه مصرف و تولید بیان و براساس آن کارایی سراسری استخراج می‌شود.

۳-۱. شرایط کارایی در مصرف

شرایط کارایی در مصرف هنگامی حاصل می‌شود که همه مصرف‌کنندگان اهمیت یکسانی برای همه کالاها قائل شوند (والترز و لیارد، ۱۹۷۸)؛ زیرا هر مصرف‌کننده مطلوبیت خود از دو کالای **X** و **Y** [$U^A(X, Y)$ و $U^B(X, Y)$] را با انتقال از مصرف دو کالا به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که حداکثر مطلوبیت را به دست آورد. در این صورت هر فرد سعی می‌کند با تساوی زیر به حداکثر مطلوبیت دست یابد:

$$MRS^{i}_{XY} = \frac{U^{i}_{X}}{U^{i}_{y}} = \frac{-dY}{dX} \qquad (۱)$$

اما هر کدام از مصرف‌کنندها می‌توانند از طریق مبادله با مصرف‌کننده دیگر مطلوبیت هر دو و یا حداقل یک نفر را افزایش دهند. این تحلیل از طریق بهینه پارتو و با استفاده از جعبه اجورث انجام شده و نشان داده می‌شود:

www.SID.ir

Archive of SID

$$MRS^{A}_{XY} = MRS^{B}_{XY} \quad (۲)$$

این تساوی که بیان‌کننده شرط کارایی در مصرف نیز هست در سرتاسر منحنی قرارداد مصرف (The Consumption Contract Curve) در جعبه اج‌ورث صادق است.

۳-۲. کارایی در تولید[۱]

وضعیتی که در آن نرخ نهایی جانشینی بین عوامل تولید در همه صنایع یکسان باشد دارای کارایی تولید است (والترز و لیارد، ۱۹۸۷، ص۱۲). در این وضعیت تخصیص منابع به‌گونه‌ای است که افزایش تولید یک کالا تنها به هزینه کالای دیگر، و کاهش تولید آن، ممکن است. در این کارایی نرخ نهایی جانشینی عوامل تولید برای دو کالا مساوی خواهد بود:

$$MRS^{X}_{KL} = MRS^{Y}_{KL} \quad (۳)$$

۳-۳. کارایی سراسری[۲]

در کارایی کلی حداکثرسازی رضایتمندی افراد که امری ذهنی است باید با کمیابی منابع و تخصیص بهینه آنها، که امری واقعی و عینی است، سازگار شود. بنابراین کارایی سراسری متضمن برابری ارزش ذهنی کالا برحسب کالای با هزینه نهایی آن است. به بیان ریاضی:

$$MRS_{xy} = -\frac{dY}{dX} = \frac{MU_x}{MU_y} = \frac{P_x}{P_y} = \frac{MC_x}{MC_y} = RPT_{xy} \quad (۴)$$

بنابراین:

$$MRS_{xy} = RPT_{xy} \quad (۵)$$

این شرط، برابری نرخ نهایی جانشینی در مصرف با نرخ جانشینی X به جای Y در تولید، شرط کارایی سراسری را تأمین می‌کند.

۳-۴. اصلاحیه کالدور بر کارایی پارتویی

یک اشکال اساسی کارایی پارتویی این است که تغییر وضعیت‌های کمی هستند که در عین بهبود مطلوبیت یک طرف مطلوبیت طرف دیگر را کاهش نمی‌دهد و بنابراین معیار کارایی پارتو در غالب موارد طرفدار وضع موجود است. به عبارت دیگر این معیار در بسیاری موارد حکم به کارا بودن وضعیت

۱. (Effective production) یا کارایی فنی (Technological Efficeincy)

2. Overall Paretian Optima

www.SID.ir

Archive of SID

موجود می‌کند. کارایی کالدور–هیکس[1] تا حدودی این نقطه ضعف معیار کارایی را برطرف کرده است.

معیار پارتو مفهوم کارایی را در چارچوب نظریه مطلوبیت شمارشی[2] ارائه کرده و بدون اینکه میان مطلوبیت‌های افراد مقایسه‌ای صورت دهد، مطلوبیت میان افراد نقاط تعادلی را معرفی می‌کرد و ازاین‌رو با نقاط تعادلی چندگانه مواجه خواهیم بود. معیار کالدور–هیکس کارایی پارتویی را در چارچوب ترجیحات ترتیبی و با استفاده از ایده جبران تعریف می‌کند. ایده جبران این است که پس از تغییر وضعیت، امکان جبران میان بازیگرانی که به دنبال حداکثرسازی مطلوبیت هستند وجود دارد؛ به‌طوری‌که سرجمع تغییر وضعیت و جبران، به بهتر شدن وضع همه، یکی و یا دست‌کم بدتر نشدن وضع همه می‌انجامد. بنابراین تغییر حتی اگر دربردارنده بدتر شدن وضع یکی شود ممکن می‌شود به شرط آنکه کسانی که از تغییر نفع برده‌اند بتوانند ضرر متضررین را جبران کنند. در این صورت اگر مجموع سود بازیگران مثبت باشد، چنین تغییری کاراست و باید رخ دهد، حتی اگر عده‌ای ضرر کنند و این ضررها نیز در پایان جبران نشوند. براساس این ملاک تفاوت نمی‌کند که رفاه چه کسی افزایش می‌یابد و تمامی رفاه میان افراد جامعه توزیع می‌شود و یا نصیب یک نفر می‌شود. آنچه مهم است افزایش رفاه کل است و با حصول چنین امری کارایی نسبی حاصل است. در این صورت در برخی حالات ممکن است ضرری که به فقرا وارد می‌شود توسط سود ثروتمندان جبران نشده و نابرابری بیشتر شود.

با ملاحظه اینکه اصل جبران نیازی نمی‌بیند ضرر واقعاً جبران شود این معیار همان معیار پارتو خواهد شد. با این تفاوت که معیار جدید تعادل کارایی پارتویی را براساس ارزش تجمعی مطلوبیت‌ها رتبه‌بندی می‌کند. در نتیجه بر معیار کارایی پارتو این مزیت را دارد که آزمون آسان‌گیرانه‌تری داشته و در موارد بیشتری حکم به انجام تغییر می‌دهد. معیار کالدور–هیکس گاه معیار پارتویی بالقوه[3] نامیده می‌شود.

در جدول زیر با فرض وجود دو فردی که در تلاش و تعامل برای حداکثرسازی مطلوبیت خویش‌اند، و برای مثال در بازیگر۱ به میزان ۳ واحد و بازیگر۲ به میزان ۴ واحد مطلوبیت کسب می‌کنند، دو نقطه (s_{11}, s_{21}) و (s_{12},s_{22}) می‌تواند کارایی پارتویی را تأمین کند. حال درصورتی‌که قابلیت جبران کاهش مطلوبیت یک فرد توسط فرد دیگر ملاحظه شود، نقطه کارا به یک نقطه کاهش می‌یابد و تنها نقطه (s_{12},s_{22}) از کارایی هیکس–کالدور برخوردار است (ویزل، ۲۰۰۴).

1. (Kaldor-Hicks-efficient)
2. Cardinal utilitu
3. potential pareto criterion

www.SID.ir

Archive of SID

	بازی‌گر۲	
بازی‌گر ۱	s_{21}	s_{22}
s_{11}	(3,4)	(2,3)
s_{12}	(1,2)	(5,3)

ملاحظه می‌شود که کارایی کالدور–هیکس این ظرفیت را دارد که تغییر وضعیت‌هایی که با وجود کاهش مطلوبیت فرد و یا افرادی متضمن منافعی باشد که مطلوبیت کل را افزایش دهد کارا تلقی شود و بنابراین راه برای اجرای طرح‌هایی باز شود که منافع جامعه و کل را افزایش می‌دهد.

انتقادی که به معیار کارایی نسبی وارد شده این است که برای رفاه همه افراد ارزش یکسان قائل است و افزایش یک واحد رفاه فرد فقیر را مانند یک واحد افزایش رفاه فرد ثروتمند ارزش‌گذاری می‌کند؛ درحالی‌که ممکن است این ارزش‌گذاری با قضاوت کلی جامعه متفاوت باشد و افزایش رفاه فرد فقیر را ارزشمندتر از افزایش یک واحد رفاه فرد ثروتمند بداند. همچنین، ممکن برخی جوامع برای رفاه نسل‌های آینده ارزش بیشتری نسبت به رفاه نسل حاضر قائل باشند. درنتیجه مفهوم کارایی نسبی (یا مطلوبیت کل) بر نظام ارزشی مبتنی است که درآن تغییر رفاه افراد و گروه‌ها ارزش‌گذاری می‌شود. اگر جامعه‌ای قضاوتی در مورد توزیع رفاه نداشته باشد، قادر به استفاده از مطلوبیت کل نخواهد بود. چنین قضاوتی خود مبتنی بر تعریفی است که آن جامعه از عدالت اجتماعی ارائه می‌کند (صدر، ۱۳۷۵).

۳–۵. کارایی به‌مثابه حداکثرسازی ثروت

اخیراً برای کارایی معیار دیگری توسط پازنر به نام حداکثرسازی ثروت[1] مطرح شده و مطابق آن هر نوع تغییری در مالکیت منابع یا استفاده از آن به شرطی سودمند است که ثروت جامعه را افزایش دهد (ماتیس، ۲۰۰۹).

از نظر پازنر ثروت ارزش پولی (دلاری) هر چیز در جامعه است. مقدار ثروت برحسب آنچه که مردم برای چیزها حاضر به پرداخت هستند ارزشیابی و محاسبه می‌شود. در این صورت در جامعه‌ای که درصدد بیشینه‌سازی چنین ثروتی است، تنها ترجیحاتی که توسط پول پشتیبانی می‌شود و به عبارت دیگر در بازار می‌توانند حضور داشته باشند ملاحظه و محسوب می‌شوند.

1. wealth maximization

www.SID.ir

Archive of SID

به همین دلیل ثروت به معنای قدرت خرید فرد بوده و نشان از میزان توانایی فرد برای خرید کالاها و خدمات است. ازاین‌رو افزایش در ثروت به معنای افزایش در توانایی خرید کالاها و خدمات و افزایش مطلوبیت است.

پازنر از سویی کارایی را همین بیشینه‌سازی ثروت می‌داند و از سوی دیگر عدالت را نیز در راستای همین معنای کارایی معرفی می‌کند. وی می‌نویسد منظورش از عدالت تقریباً همان معنای مورد نظر رالز است. موضوع اصلی عدالت از نظر وی، ساختارهای اساسی جامعه، یا به‌طور دقیق‌تر، نحوه برخورد نهادهای اساسی توزیع حقوق و وظایف و تعیین تقسیم مزایای همکاری اجتماعی است. از طریق مؤسسات بزرگ، قانون اساسی و اصول اقتصادی و ترتیبات اجتماعی درک می‌شوند (رالز، ۱۹۷۱) . از نظر پازنر کارایی به معنای بیشینه‌سازی ثروت برای تأمین عدالت کفایت می‌کند. کارایی معیاری برای عدالت نیز هست و عدالت می‌تواند به‌مثابه حداکثرسازی ثروت دنبال شود (پازنر، ۱۹۸۱) و درصورتی‌که قواعد حقوقی آنچنان تنظیم شوند که رشد بیشتر در ثروت را به دنبال داشته باشند، عدالت نیز حاصل می‌شود.

این دیدگاه امروزه از سوی حقوق‌دانان به‌طورجدی مورد توجه قرار گرفته است و می‌تواند به‌مثابه بدیلی برای کارایی اقتصاد متعارف تلقی شود. این دیدگاه نیز مانند کارایی پارتویی براساس بنیان‌هایی نهاده شده که می‌تواند در جای خود مورد بررسی، نقد و کنکاش قرار گیرد. بنابراین با توجه به اینکه منابع می‌توانند برای رسیدن به مقاصد و اهداف متفاوتی سامان‌دهی شوند، کارایی نیز می‌تواند متناسب با آن معنای متفاوتی را بپذیرد.

۴. ارزیابی مفهوم کارایی در منظومه اندیشه اسلامی

برای اینکه مفهوم کارایی اقتصادی مورد ارزیابی قرار گیرد، ضمن اینکه اهداف و انگیزه‌ها باید در اقتصاد اسلامی تعریف شود به مفهوم رفاه، سعادت و خصوصیات آن در اقتصاد اسلامی نیز پرداخته شود.

۴-۱. بنیان‌های کارایی در نگرش اسلامی

ازآنجاکه اساساً مفهوم کارایی در اقتصاد متعارف مبتنی بر ارزش‌هایی پذیرفته شده است، لازم است هنگامی که این مفهوم در چارچوب اقتصاد اسلامی بررسی می‌شود به بنیان‌های اسلامی آن نیز توجه شود. چون این مقاله بر دیدگاه اسلامی تمرکز دارد و مجال پرداختن به بنیان‌های کارایی در اقتصاد متعارف نیست، به ذکر این نکته بسنده می‌شود که مارک بلاگ از فیلسوفانی است که بر

www.SID.ir

Archive of SID

وجود بنیان‌های ارزشی و غیراقتصادی کارایی تأکید داشته و با لحنی تمسخرآمیز اقتصادیِ صرف بودن نظریه کارایی را مورد نقد قرار می‌دهد.

بلاک (۲۰۰۷) معتقد است اگر درک شایسته‌ای از عدم ارتباط توزیع اولیه حقوق مالکیت نسبت به تخصیص منابع نهایی و همین‌طور درک اینکه خواص مطلوب تعادل رقابتی پارتو، یک حقیقت در مورد مدل‌های اقتصادی و نه یک حقیقت درباره دنیای واقعی است وجود داشته باشد، اسکیزوفرنی فکری برخی اقتصاددانان بی‌اهمیت و قابل اغماض می‌باشد. وی می‌افزاید در اینکه در این موارد تأکید کاملی صورت بپذیرد شک دارم؛ زیرا چنین تأکیدی ارزش تشریفاتی نظریه‌های رسمی در موضوعی مانند اقتصاد را نابود می‌کند. بسیاری از اقتصاددانان قلباً به کارآمدی بازار اعتقاد دارند و این را هم می‌دانند که اعتقاد مزبور ایدئولوژیک و آزمون نشده است؛ اما نمی‌خواهند به ایدئولوژیک بودن آن اعتراف کنند؛ بنابراین آنها به قضایای ریاضی تکیه می‌کنند که خویش احترامی‌شان را تأمین می‌کند.

ویکسل نیز معتقد بود کارایی پارتویی واقعیت محیط سیاسی–اقتصادی را نادیده گرفته و لذا غیرعلمی است. وی دردمند از تلاش پارتو بود که دکترینی را گسترش داد که می‌توانست دفاعی از توزیع موجود ثروت، که براساس نابرابری در ثروت شکل گرفته، باشد (ویکسل، ۱۹۶۷).

تردیدی نیست که رویکرد اسلام به جهان و انسان با رویکرد اقتصاد متعارف (ارتدوکس) کاملاً متفاوت است و هدف و نتایج مورد انتظار از فعالیت‌های اقتصادی نیز تفاوت خواهد داشت. بنابراین تفاوت بنیان‌ها ممکن است به تفاوت در جایگاه کارایی اقتصادی بینجامد. بدین جهت لازم است برخی بنیان‌های مفهوم کارایی در نگرش اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

۴–۲. الف) رفاه امری ذهنی؟

تردیدی نیست که رفاه و سعادت امری مرتبط با درک درونی و باطنی است؛ اما این درک با موقعیت و شرایطی که انسان در آن زندگی می‌کند بی‌ارتباط نیست. این شرایط به جایگاه فرد نسبت به دیگران، مواهبی که از آن بهره‌مند است و بالاخره به امور عینی وابسته است. درواقع ذهنیت انسان براساس آنچه در واقعیت رخ داده و موجود است، شکل می‌گیرد. درعین‌حال نوع تلقی و ذهنیت فرد از این امور نیز مهم است. بنابراین ذهنیت فرد براساس دو امر شکل می‌گیرد.

اول، آنچه در واقعیت وجود دارد؛ دوم، برداشت و تلقی‌های فرد از این واقعیات که خود وابسته به ارزش‌هایی است که مبنای قضاوت فرد هستند. واقع‌بینی عنصر مهمی در این مرحله از تلقی‌های فرد است. این قضاوت‌ها تأثیر مهمی بر تصمیمات بعدی فرد دارد. درواقع فرد براساس

www.SID.ir

Archive of SID

آنچه که قضاوت در مورد شرایط حاضر و ارزیابی از موقعیت فعلی دارد برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند و قضاوت‌های اشتباه او پایه‌ای برای تصمیم‌های غلط او خواهد بود.

بنابراین، سعادت انسان امری دو وجهی بوده و از یکی از دو وجه، درک و دریافت باطنی و شرایط عینی جدا نیست.

در نظر اسلام که هم سعادت در دنیا و هم سعادت درآخرت هدف از زندگی دانسته می‌شود، بر این نکته تأکید می‌شود که اگرچه مواهب دنیا برای بهره‌مندی انسان از آنها خلق شده‌اند (اعراف، ۳۲)،[۱] اما ذهنیت انسان نباید فریب برخی از ظواهر را بخورد[۲] (روم، ۷) و با واقع‌بینی مواهب این جهان را ارزیابی کرده و برای آسایش خاطر خود در این جهان و البته فراهم نمودن اسباب سعادت در آخرت (فوز) تلاش کند (یونس، ۶۴).[۳]

دستیابی به سعادت ابدی (فوز) در گرو اعمال صالحی است که محدود به زمان و مکان و یا جامعه خاصی نیست و برای همه افراد صادق است (البروج، ۱۱).[۴]

در رویکرد اسلامی، و اعتقاد به عالم ملک و ملکوت ، همه انواع لذت‌ها لذت حقیقی تلقی نمی‌شوند. لذت‌ها براساس نتایجی که به دنبال دارند مورد ارزیابی قرار می‌گیرند و به همین سبب برخی از لذت‌های این جهانی به دلیل اینکه موجب عذاب می‌شوند در ظاهر لذت بوده و واقعاً الم و رنج می‌باشند (نساء، ۱۰).[۵] و به حکم عقل باید از آنها دوری جست.

بنابراین، لذات (دنیوی و اخروی) براساس درک درونی و حضوری فرد شکل می‌گیرند؛ اما اولاً موجبات آن اموری واقعی و حقیقی‌اند و ثانیاً رتبه‌بندی آن از سوی خداوند تعیین می‌شود؛ یعنی درک درونی فرد براساس آنچه که با انجام اعمال خیر در سرای دیگر به دست می‌آورد، شکل خواهد گرفت. میزان و رتبه‌بندی پاداش و نتیجه اعمال انسان را خداوند تعیین می‌کند. بنابراین، رفاه انسان بر پایه اموری عینی و واقعی بوده و عام و فراگیر و قابل مقایسه هستند.

در مورد رفاه دنیوی هم همین رویکرد صحیح است. ممکن است میزان رضایت و مطلوبیتی

---

۱. «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللهِ الَّتی أَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا».
۲. «یَعْلَمُونَ ظاهِرًا مِنَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ هُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غافِلُونَ».
۳. «لَهُمُ الْبُشْری فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَةِ لا تَبْدیلَ لِکَلِماتِ اللهِ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظیمِ»؛ در زندگی دنیا و آخرت مژدهٔ الهی برای آنان است، [در دنیا به وسیلهٔ وحی، و در آخرت با خطاب خداوند و فرشتگان]، در بشارت‌ها و وعده‌های خداوند هیچ تغییری راه ندارد، این است کامیابی بزرگ.
۴. «إِنَّ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ جَنّاتٌ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ذلِکَ الْفَوْزُ الْکَبیرُ»؛ بی‌تردید مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده‌اند، برای آنان بهشت‌هایی است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است، این است کامیابی بزرگ.
۵. إِنَّ الَّذینَ یَأْکُلُونَ أَمْوالَ الْیَتامی ظُلْمًا إِنَّما یَأْکُلُونَ فی بُطُونِهِمْ نارًا وَ سَیَصْلَوْنَ سَعیرًا؛ آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت آنها در شکم خود آتش جهنّم فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان خواهند افتاد.

www.SID.ir

Archive of SID

که افراد از امکانات و بهره‌مندی گوناگون می‌برند متفاوت باشد؛ اما اموری که این رضایت و مطلوبیت را فراهم می‌کنند اموری واقعی‌اند و بدون این امور رضایتمندی، کم یا زیاد، حاصل نخواهد شد؛ ازاین‌رو طرفداران رویکرد نیازها به توزیعی اعتقاد دارند که نیازهای اساسی را برای همه افراد تأمین کند؛ به‌دیگرسخن، معتقدند برای اینکه افراد از حداقل مطلوبیت برخوردار باشند باید به نیازهای اساسی دسترسی داشته باشند.

بنابراین بیان صحیح این است که در زندگی اجتماعی رفاه انسان‌ها براساس دسترسی به اموری واقعی به دست می‌آید. بدین‌ترتیب مسئله این است که ساختارها و ترتیبات چگونه باشد تا امکانات موجد رفاه توزیع شوند. کارایی براساس اینکه رفاه امری ذهنی است و به دریافت هر فرد وابسته است می‌گوید بگذارید افراد براساس این دریافت خود مطلوبیت خود را حداکثر کنند؛ اما حتی برای این امر باید آنچه که موجبات رفاه ذهنی فرد را شکل می‌دهد در اختیار فرد قرار گیرد و او با مصرف کالاها و خدماتی به این رفاه دست پیدا کند. درحقیقت بحث این است که چگونه و براساس چه سازوکاری مواهب اجتماعی توزیع شود؛ چه رفاه ذهنی باشد یا عینی.

۴-۲. ب) جهان‌شمولی و عمومیت رفاه

نتیجه دیگری که از دو جهانی بودن حقیقت سعادت حاصل می‌شود عام و جهان‌شمول بودن معنای رفاه است؛ البته چنین موضعی به معنای عدم لحاظ برخی تفاوت‌های فردی در درک و شهود لذت و رضای خاطر نیست؛ اما درهرحال مفهوم رضایت خاطری که با کمال انسان و کسب فضائل حاصل می‌شود به‌عنوان یک امر مطلوب، عام و جهان‌شمول است.

۴-۲. ج) رفاه امری جمعی؟/ نگرش اسلامی در قبال فردگرایی ذره‌ای

در کارایی پارتویی یک نگرش مبنایی برای قضاوت در مورد کارایی نگرش فردگرایانه است. در این نگرش انسان‌محور قضاوت و ارزش‌گذاری و تصمیم‌سازی در مورد خوب و بد و مطلوب و نامطلوب است و بر همین اساس توزیع مطلوبیت میان افراد مورد مطالعه است و نمودارهای مورد استفاده نیز نمایانگر مطلوبیت‌های فردی است؛ اما بر مبنای وجود حقیقی جامعه مصلحت (مطلوبیت) افزون بر مصلحت و رفاه فردی مصلحت و رفاه جمعی و یا رفاه جامعه مطرح است. در این صورت باید آنچه که موجب رفاه جامعه می‌شود، مورد پیگیری قرار گیرد و عواملی که موجب تضعیف و فروپاشی جامعه می‌شود مورد اجتناب قرار گیرد. مصلحت جمعی آن است که اگرچه در نهایت مصالح فردی را دربردارد، ولی لزوماً از جمع جبری مصالح و منافع فردی

www.SID.ir

Archive of SID

به دست نمی‌آید. تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد به دلیل اشتمال بر اکثریت نیست؛ بلکه به دلیل اهمیت بیشتر در مقایسه با مصالح فردی است.

با توجه به مطالعات انجام گرفته در مورد جامعه و وجود حقیقی آن در نگرش اسلامی، سعادت جامعه صرفاً براساس رفاه فردی تعریف نمی‌شود و بخشی از تحقق رفاه اجتماعی به تحقق اموری وابسته است که به مصالح و رفاه جامعه ارتباط می‌یابد.

براین‌اساس می‌توان رابطه رویکردهای مختلف در مورد رفاه را با ملاحظه مبانی فردگرایی و جامعه‌گرایی با کمک نمودار زیر تشریح نمود:



نمودار۱

۱. در ناحیه ۱ کسانی قرار می‌گیرند که وجود جامعه را اعتقاد داشته و رفاه جامعه را می‌پذیرند؛

۲. در ناحیه ۲ کسانی قرار می‌گیرند که تنها به رفاه جامعه اعتقاد داشته و فردگرا هستند. چنین گزینه‌ای قائل ندارد؛

۳. در ناحیه ۳ کسانی قرار می‌گیرند که تنها فردگرایی را می‌پذیرند و به رفاه فردی قائلند؛

۴. در ناحیه ۴ کسانی قرار می‌گیرند که هم به وجود جامعه اعتقاد دارند و هم رفاه فردی را می‌پذیرند.

براساس توضیحات پیش‌گفته اندیشمندان مسلمان در ناحیه ۱و ۴ قرار می‌گیرند که افزون‌بر اصالت فرد به اصالت جامعه نیز اعتقاد دارند و علاوه بر رفاه فردی به رفاه جامعه نیز اهمیت می‌دهند.

عدالت اجتماعی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل رفاه اجتماعی و استمرار حیات جامعه در همین چارچوب مورد بررسی و اعتناست. نسبت عدالت با کارایی و تقدم هریک نیز می‌تواند در این بستر مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

۴-۳. اهمیت عدالت در نگرش اسلامی

اکنون و با ملاحظه تفاوت‌های بنیادین در مورد رفاه و بهروزی نوبت به معرفی ابـزار مناسـب بـرای تحقق آن می‌رسد. از نظر اسلام مهم‌ترین ابزار برای تحقق همه فضـائل فـردی و اجتمـاعی تحقـق عدالت در سطح فردی و اجتماعی است. ازآنجاکه بحث فعلی ما در مورد کارایی است به جنبـه‌ای از عدالت (عدالت اجتماعی) تمرکز پیدا می‌کنیم که می‌تواند نسبتش با کارایی سنجیده شود.

۴-۳-۱. عدالت شرط تحقق رفاه در اندیشه اسلامی

تردیدی نیست که در هر نظام اقتصادی، اهداف نظام نقش اساسی در ترتیبات و نظم اجزاء و نهادها دارد. با نگاهی به نظام‌های سیاسی و اقتصادیِ مطرح، می‌توان ادعا نمـود کـه تمـامی آنهـا مـدعی تعقیب سعادتمندی انسان بوده و بنابراین سعادت انسـان را بـه‌عنوان هـدف نهـایی تشـکیل دولـت تعریف می‌کنند؛ اما تعریف این نظام‌ها از سعادت انسان یکسان نیست و همین امر موجب فاصـله گرفتن از یکدیگر شده است. بخش مهمی از این تفاوت به تعریف ماهیت انسان ارتباط می‌یابد.

نظام اقتصادی اسلام نیز با این قید که زیر نظام اسلامی است، دارای اهدافی در راستای تحقـق نظام کل می‌باشد. بدین‌ترتیب اهداف نظام اقتصادی به‌مثابه پلی میان نظام اقتصادی و اهداف نظام کل تلقی می‌شوند. این نوع دسته‌بندی اهداف نظام، اهداف نظام اقتصادی را به‌عنوان اهداف میانی برای نیل به هدف نهایی معرفی می‌نماید. بر این اساس اگر اساساً تشکیل جامعـه اسـلامی و نظـام کل، به هدف پرورش انسان‌هایی باشد که در سایه نورانی شدن فضای جامعه و وضوح راسـتی‌ها از ناپاکی‌ها، در راستای «خلیفةالله» شدن گام بردارند (جوادی آملی، ۱۳۷۱). اهداف نظام اقتصادی نیز در این راستا دنبال می‌شود.

در مورد اهداف در نظام اقتصادی اسلام نظریات اندیشمندان مسـلمان بـه‌دلیل اینکـه از منـابع معتبر یکسانی بهره گرفته‌اند تقریباً یکسان است و در کتب و مقالات متعددی ذکر شده[1] این مقالـه تنها تا جایی به موضوع اهداف می‌پردازد که به موضوع مقاله ارتباط می‌یابد.

به‌طورخلاصه با عنایت به مفهوم سعادت و رفاه در نگرش اسلامی و اینکـه یـک فـرد مسـلمان بـا انگیزه حداکثر کردن سرجمع منافع یا مصالح و یا لذت‌های دنیوی و اخروی فعالیت اقتصادی خود را سامان می‌دهد، اهداف نظام اقتصادی اسلام را نیز می‌توان در سه سطح و بدین شرح دسته‌بندی نمود:

---

۱. بـرای مثـال ر.ک: رفیعـی آتـانی (۱۳۸۶)؛ گیلـک حکیم‌آبـادی (۱۳۸۰)؛ موسـویان (۱۳۸۲)؛ مالـک (۱۳۸۲)؛ رضـایی (۱۳۸۳)؛ موسویان (۱۳۸۱)؛ قحف (۱۹۹۸) و چپرا (۱۳۸۴).

www.SID.ir

Archive of SID

۱. **هدف عالی یا غایی:** زمینه‌های لازم اقتصادی برای تحقق رفاه عمومی که با حداکثرسازی سرجمع منافع به دست می‌آید؛

۲. **اهداف میانی:** عدالت اقتصادی، امنیت اقتصادی، بارور کردن استعدادهای طبیعت برای تأمین نیازها و رفاه بشر؛

۳. **اهداف عملیاتی** (رفیعی آتانی، ۱۳۸۶).

بنابراین، عدالت اقتصادی از جمله اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام است و درواقع ابزاری برای تحقق هدف عالی که رفاه، سعادت و یا سرجمع حداکثری منافع دنیوی و اخروی فرد و جامعه است.

این رویکرد به عدالت که مبنای این مقاله در بررسی کارایی نیز هست توسط دلایل متعدد نقلی و عقلی تأیید می‌شود. در این ادله عدالت به‌مثابه یگانه پایه و اساس برای نیل به هدف غایی مورد تأکید قرار گرفته است. گویا در شرایط ظالمانه پویایی حیات فردی و اجتماعی انسان مختل شده و تنها در بستر عدالت فضائل فردی و جمعی امکان تحقق پیدا می‌کند. در این نگرش در منابع اسلامی، عدالت زنده بودن را به همراه دارد[۱] (آمدی، ۱۳۶۶، ج۱، ص۱۳، ح۳۰۷، ۳۰۸) و عمران و آبادی بی‌نظیر مبتنی بر عدالت است[۲] (همان، ج۶، ص۶۸، ش۹۵۴۳) و موجب پایداری نظام اجتماعی و سیاسی[۳] است. با عدالت زندگی مردم قوام یافته[۴] و همچنین موجب پیروی از سنت و روش الهی و استحکام و پایداری دولت‌هاست[۵] (آمدی،۱۳۷۳، ج۴، ص۴۰۳، ش۶۵۹۶)، و با حاکمیت عدالت زندگی مردم سامان می‌یابد[۶] (آمدی، ج۳، ص۲۰۶، ش۴۲۱۵). و برکات فزاینده را به دنبال دارد[۷] (آمدی،۱۳۷۳،ج۳، ص۲۰۵، ش۴۲۱۱). در این صورت همه درآمدهای کافی برای زندگی آبرومندانه داشته و بی‌نیاز[۸] و شادکام می‌گردند؛ چنانچه در روایتی از امام موسی کاظمعلیه السلامعدالت شیرین‌تر از عسل دانسته شده[۹] (الکلینی، ج۱، ۱۴۳۰). بدین‌ترتیب از نظر اسلام عدالت معیار بی‌بدیل بنیان‌ها و نهادهای اجتماعی است و هر جامعه‌ای برای پایداری و شکوفایی باید براساس عدالت شکل بگیرد.

---

۱. العَدلُ حَیاةٌ الْجَوْرُ مَمحاةٌ.
۲. ما عُمِرَتِ البلادْ بمثل العدل.
۳. فی العدل الاقتداءُ بسنة الله و ثبات الدول.
۴. العدل قوام الرعیة و جمال الولاة.
۵. فی العدل الاقتداءُ بسنة الله و ثبات الدول.
۶. بالعدل تَصْلَح الرعیة.
۷. بالعدل تتضاعف البرکات.
۸. لو عُدِلَ فی الناس لاستَغنَوا.
۹. إن العدل أحلی من العسل.

www.SID.ir

Archive of SID

اگر بپذیریم که کارایی به معنای مؤثرترین استفاده از منابع تولیدی معین (نیروی کار، مواد اولیه، ماشین‌آلات و...) است، آنگاه می‌توان نقطه افتراق میان دیدگاه‌ها را در تبیین واژه مؤثرترین دانست. براساس اینکه کدام نوع استفاده از منابع ما را به بهترین نحو به هدفمان می‌رساند مؤثرترین استفاده نیز معنا می‌شود. در این صورت هدف و چگونگی دستیابی به آن در معنای کارایی بیشترین نقش را دارد.

اما شرط رسیدن به هدف نهایی، اقامه قسط و عدالت در جامعه است (الحدید، ۲۵)[۱] و ازاین‌رو گفته می‌شود عدالت بستر همه فضائل است. با اقامه عدالت منابع و مواهب میان همه مردم به‌گونه‌ای توزیع می‌شود که امکان حرکت به سوی هدف فراهم شود.

در تصور اسلامی که عدالت اساس و پایه‌ای برای ساختارهای اجتماعی است، کارایی در راستای این ساختار معنا می‌شود و بنابراین هر فعالیت تحکیم‌بخش عدالتی که در درون ساختارها روابط اجتماعی انجام شود، می‌تواند برای رسیدن به کارایی ارزیابی شود؛ به عبارت دیگر عادلانه بودن فعالیت، شرط لازم برای کارایی است؛ البته بنابر این معنا که عدالت قرار دادن هرچیزی به جای خود است، کارایی محصول فعالیت‌های تماماً عادلانه هم هست. در این نگرش که کارایی به معنای مؤثرترین استفاده از همه منابع و امکانات برای رسیدن به عدالت است، کارایی در اقتصاد اسلامی تفاوت ماهوی با کارایی در اقتصاد متعارف خواهد داشت. این رویکرد به کارایی با اندیشه و رویکرد نظام‌مند به اقتصاد اسلامی کاملاً سازگار است؛ زیرا در تفکر نظام‌مند همه اجزا و منابع باید در راستای نیل به هدف سامان یابند و به عبارت دیگر ساختار و ترتیبات اجتماعی بر آن پایه قرار داده شود. در این حالت، تنافی و یا تعارضی میان عدالت و کارایی معنا ندارد. همچنین، تخصیص کارای منابع به معنای تخصیص عادلانه منابع خواهد بود و در این صورت عدالت امری پسینی نسبت به کارایی نبوده و مقدم بر کارایی و مقوم معنای کارایی می‌باشد.

نکته لازم به ذکر این است که در کارایی افزون‌بر استفاده صحیح از منابع، عدم معطلی و یا هدررفت منابع نیز وجود دارد. در اندیشه اسلامی این جنبه از مفهوم کارایی را می‌توان در معنای شکر ملاحظه کرد. شکر در فرهنگ اسلامی به معنای این است که نعمت‌های الهی، و به تعبیر اقتصادی منابع تولید کالاها و خدمات، در راهی مورد استفاده قرار گیرند که به خاطر آن آفریده شده‌اند و در راه‌های دیگر استفاده نشده (مطهری، ۱۳۹۱) و یا عاطل نمانده و اتلاف نشوند.

---

۱. لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَيِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْكِتابَ وَ الْمِيزانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَ أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ مَنافِعُ لِلنَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَ رُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حقّ از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوّی و شکست‌ناپذیر است.

www.SID.ir

Archive of SID

اکنون در نظر آوریم که در نگرش اسلام همه چیز در جایگاه خود باید قرار گیرد تا عدالت برقرار شود. به عبارت دیگر انواع استفاده‌هایی که با عدالت ناسازگارند استفاده‌های نادرست تلقی می‌شوند. بنابراین افزون‌بر اینکه باید از همه منابع و امکانات باید استفاده کرد و هیچ فرصت و امکانی را مهمل قرار نداد، استفاده از منابع نیز باید در چارچوب تأمین عدالت باشد. در این صورت رشد و پیشرفت همگام با عدالت خواهد بود. در این نوع نگرش، آن نوع از عمران و آبادی پایدار نخواهد ماند که مبتنی بر عدالت نباشد (روم، ۹).

۴-۴. رشدِ پایدار و کارایی

در رویکرد اسلامی، کارایی تنها به حداکثرسازی تولید کالاها و خدمات با استفاده از منابع موجود معطوف نیست و صرفاً رشد اقتصادی را دنبال نمی‌کند. در این نگرش رشد و رفاه ناشی از حداکثرسازی تولید در صورتی پایدار خواهد بود که مبتنی بر شرایط عادلانه به دست آید. در نظر اسلام رشد اقتصادی صرف نمی‌تواند پایدار باشد و به همین دلیل مطلوب هم نیست. آیه ۹ از سوره شریفه روم هشدار می‌دهد که پیش از اینها کسانی بوده‌اند که عمران و آبادی و قدرتشان بیشتر بوده است؛ اما نتوانستند مانع نابودی خود شوند و به‌خاطر ظلم‌شان از بین رفته‌اند.[۱]

این آیات بیان می‌کند جوامعی که دارای عمران و آبادی بودند و قدرت اقتصادی‌شان بیش از دیگران بوده اما دچار کفر و در نتیجه ظلم بوده‌اند، نابود شده‌اند. بی‌تردید این آیات درصدد تخطئه عمران و آبادی نیست، بلکه بیان‌کننده این نکته مهم است که عمران و آبادی بدون عدالت واقعی پایداری را تضمین نمی‌کند. بدین‌ترتیب پیشرفت اقتصادی و رشد تولید کالا و خدماتی می‌تواند رفاه پایدار را به همراه داشته باشد که بر پایه عدالت شکل گرفته باشد.

۴-۵. کمیابی در اقتصاد اسلامی

با تبیینی که از موقعیت عدالت در نظام حیات اجتماعی انسان ارائه شد به بیانی سازگار از مشکل اساسی در اقتصاد از دیدگاه اسلام و موضوع کمیابی می‌توان دست یافت. براساس رویکرد یادشده که عدالت پایه‌ای برای ترتیبات اقتصادی در سطح جامعه و مبنایی برای ساختارهای و نهادهای

۱. أَوَلَمْ یَسیرُوا فِی ٱلأَرْضِ فَیَنْظُرُوا کَیْفَ کانَ عاقِبَةُ الَّذینَ مِنْ قَبْلِهِمْ کانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثارُوا ٱلأَرْضَ وَ عَمَرُوها أَکْثَرَ مِمّا عَمَرُوها وَ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَیِّناتِ فَما کانَ اللهُ لِیَظْلِمَهُمْ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ یَظْلِمُونَ. آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است. آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند؛ بنابراین خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند؛ لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند.

www.SID.ir

Archive of SID

جامعه باشد، سؤال اساسی اقتصاد این خواهد بود که ساختارها چگونه باید باشند تا توزیع مواهب و امکانات و فرصت‌ها و کالاها و خدمات در جامعه عادلانه باشد. در این صورت نه تنها توزیع مجدد بلکه مرحله تولید پیش از تولید نیز مشمول سؤال خواهد بود.

در این فضا و منظومه از تفکر که حداکثرسازی مطلوبیت مبتنی بر تمنیات موضوعیت ندارد، کمیابی منابع نیز برای تأمین چنان مطلوبیتی جایگاهی ندارد. در نگرش اسلام با وجود عدالت تمامی نیازهای انسان برای دستیابی به اهدافش تأمین خواهد شد. در این نگرش خداوند حکیم همان‌گونه‌که برای خلقت انسان و جهان هدفی را منظور داشته، تمامی مقدمات و نیازهای انسان را برای رسیدن به هدف مزبور را نیز فراهم کرده است.

در این زمینه شهید صدر (۱۳۸۲) معتقد است در نظر اسلام منشأ و ریشه مشکل اساسی در مسائل اقتصادی خود انسان، نه طبیعت و نه چگونگی تولید است. ایشان در این مورد، به آیات ۳۳ تا ۳۵ سوره شریفه ابراهیم استدلال می‌کند که در این آیات خداوند بیان می‌کند که رزق و روزی انسان را از طریق مخلوقاتش فراهم کرده و از هرچه انسان بخواهد به او داده است و این نعمت‌ها آن‌قدر زیادند که قابل محاسبه برای انسان‌ها نیستند.[۱]

۴-۵-۱. رابطه ماهیت نیاز و سعادت و رفاه

در بینشی که انسان را با تمنیات درونی و حرص و آز تعریف می‌کند، منطقی است که مشکل اساسی اقتصاد کمیابی منابع برای ارضای آن تمنیات بوده و کارایی در راستای حل این مشکل تعریف شود؛ اما در بینش اسلامی که انسان با کمالات اخلاقی و پیمایش طریق تکامل تعریف می‌شود مشکل اساسی اقتصاد در حوزه لوازم تکاملِ مزبور و به عبارت دیگر نیازهای مربوط به آن جستجو می‌شود.

آیاتی مانند آیه ۱۱ از سوره مبارکه بروج[۲] نشان می‌دهد که همه انسان‌ها با انتخاب صحیح می‌توانند به بالاترین مراتب سعادت دست یابند. دلالت استلزامی چنین امری این است که عوامل و منابع نیل به سعادت و آخرت کمیاب نباشد. همچنین، آیاتی مانند آیه ۶۴ سوره یونس[۳] دلالت بر این دارد که امکان نیل به سعادت به حیات اخروی منحصر نیست و شامل زندگی این‌جهانی نیز می‌شود. از نظر اسلام انسان می‌تواند در دنیا هم به بالاترین مراتب سعادت دست یابد.

---

۱. اللهُ الَّذی خَلَقَ السَّماواتِ وَ ٱلأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقًا لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ ٱلأَنْهارَ* وَ سَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ دائِبَيْنِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ* وَ آتاكُمْ مِنْ كُلِّ ما سَأَلْتُمُوهُ وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللهِ لا تُحْصُوها إِنَّ ٱلإِنْسانَ لَظَلُومٌ كَفّارٌ.

۲. إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لَهُمْ جَنّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا ٱلأَنْهارُ ذلِكَ الْفَوْزُ الْكَبيرُ.

۳. لَهُمُ الْبُشْرى فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ فِي ٱلآخِرَةِ لا تَبْديلَ لِكَلِماتِ اللهِ ذلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظيمُ.

www.SID.ir

Archive of SID

توجه و تأکید بر تعریف و ارضای نیازها در راستای دستیابی انسان به کمال برخاسته از اعتقاد به هدفمندی آفرینش انسان و جهان است. در این چارچوب صرف وجود نیاز، باید همراه با امکان تأمین باشد، وگرنه با حکمت خالق حکیم و توانا ناسازگار است. عدالت اجتماعی در اسلام با ارضای این نیازها برای همه انسان‌ها و عدم ترجیح برخی بر برخی دیگر تعریف می‌شود.

بدین‌ترتیب کمیابی منابع برای تأمین نیازهایی که در راستای کمال انسان هستند انکار می‌شود و ازین‌رو کمیابی منابع نمی‌تواند مشکل اساسی اقتصاد تلقی شود. مشکل اساسی اقتصاد در این است که نیازهای برخی انسان‌ها، به هزینه افراط برخی دیگر در تأمین نیازهای صحیح و ناصحیح نادیده گرفته می‌شود. در چنین حالتی هر دو طرف، محروم و مستغنی، از حرکت تکاملی محروم می‌مانند و جامعه به سوی سقوط حرکت می‌کند. بنابراین، این انسان فرصت و امکانات را با ظلم و جور و کفران از دست می‌دهد؛ فرصت و امکاناتی که خداوند در اختیار او قرار داده است. پس دو سبب اصلی برای مشکلات اقتصادی انسان، ظلم انسان در زندگی عملی‌اش و کفران نعمت الهی است؛ اما ظلم انسان در زمینه اقتصاد در توزیع‌های نادرست، و کفران نعمت در اهمال در عمران و آبادی طبیعت و عدم استفاده صحیح از منابع تجلی می‌یابد.

در نظر شهید صدر اسلام درحالی‌که در ارتباطات اجتماعی ظلم در توزیع را از بین می‌برد و ظرفیت‌های انسان را برای استفاده از طبیعت و آبادسازی آن مهیا می‌کند، مشکل حقیقی در حوزه اقتصاد را از بین می‌برد. اسلام محو ظلم را از طریق آنچه که در مسائل توزیع و تداول ثروت ارائه کرده است مدیریت می‌کند و کفران در نعمت را از طریق مفاهیم و احکامی مرتفع می‌کند که در مورد تولید وضع کرده است.

بدین‌ترتیب این دو موضوع، محو ظلم در توزیع و استفاده صحیح از منابع، در یک‌راستا مورد توجه هستند. در حقیقت استفاده صحیح از منابع افزون‌بر اینکه حاوی معنای عدم اتلاف و یا اهمال منابع است مشتمل بر معنای استفاده در جهت برقراری عدالت هم هست. بنابراین، استفاده از منابع تنها براساس دستیابی به عدالت استفاده صحیح از منابع تلقی می‌شود و هرگونه تخصیص منابع بدون در نظر گرفتن توزیع عادلانه کفران نعمت الهی است.

نتیجه این است که تلاش‌هایی که برای اسلامی‌سازی کارایی اقتصادی در معنایی همسان با معنای آن در اقتصاد متعارف صورت گرفته از آن جهت کافی نیست که به مبانی کارایی توجه کافی صورت نگرفته است.

www.SID.ir

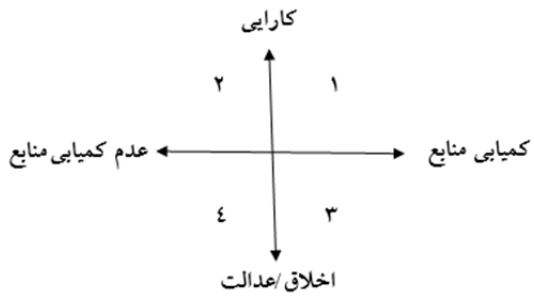
Archive of SID

۴-۵-۲. نگاه پایانی به کمیابی

در پایان توجه به این نکته لازم است کـه همـه رویکردهـای بـدیل مطلوبیـت‌گرایی لزومـاً مشـکل اساسی را متفاوت از مطلوبیت‌گرایان تعریف نمی‌کنند و ممکن است این رویکردهـا بـا اعتقـاد بـه اینکه کمیابی منابع مشکل اساسی اقتصاد است نظریات خویش را ارائه کرده باشند.

غیرکارایی‌گرایان، که به‌عنوان فرارفاه‌گرایان شناسایی شده‌اند، مشکل اساسـی را یـا کمیـابی منـابع می‌دانند یا مشکل را در غیر آن معرفی می‌کنند. دسته اول ممکن است درحالی‌که فردگرایند مطلوبیت‌گرا نباشند. این افراد نافی بازار به‌طور مطلق نیستند؛ اما ابزارهای غیربازاری را نیز انکـار نمـی‌کننـد. در نگاه این دسته، با اعتقاد به کمیابی منابع، برای تأمین رفاه افراد بـه‌جای مطلوبیـت‌گرایی معیارهـای دیگری باید به کار گرفته شود. مثلاً رالز با اینکه بـه کمیـابی تعـدیل یافتـه (moderate scarcity) اعتقاد دارد؛ اما آن را در زمره شرایط و موجبـات عـدالت ذکـر مـی‌کنـد (۲۰۰۵، ۱۲۸) و بنـابراین عدالت را در ادامه وجود کمیابی می‌بیند.

دسته دوم بنابر مطالب پیشین شامل اقتصاددانان مسلمان می‌شود که مشکل اساسـی را بـه‌جای کمیابی توزیع معرفی کرده و معتقدند عدالت بر همه حالات تولید، قبل، هنگام و بعد از تولید بایـد حاکم باشد. مجموعه دیدگاه‌های موجود در این زمینه را می‌توان در شکل زیر نشان داد.



نمودار۲

ناحیه یک متعلق به کارایی‌گرایان یا رفاه‌گرایان، ناحیه سه متعلـق بـه فرارفـاه‌گرایـانی نظیـر رالـز است، ناحیه چهار متعلق به اندیشمندان مسلمان قرار می‌گیرند. در ناحیه دو مکتب شناخته شده‌ای قرار نمی‌گیرد.

www.SID.ir

Archive of SID

۴-۶. تخصیص منابع و جامعه

در بخش‌های قبلی مقاله دیدگاه اسلامی اهمیت رفاه جمعی و تقدم آن بر رفاه فردی مورد اشاره قرار گرفت. هریک از دو دیدگاه یادشده در مورد تخصیص منابع نیز رویکردی متناسب انتخاب می‌کنند. در دیدگاه جامعه‌گرا تخصیص منابع براساس بهینه‌یابی اجتماعی صورت می‌گیرد و در دیدگاه فردگرایی اساس بهینه‌یابی ترجیحات فردی است. اگر مطلوبیت صرفاً فردی دانسته نشود فضایی که در آن کارایی به نمایش درمی‌آید مطلوبیت دو فرد نخواهد بود.

بنابراین آنچه که در مورد تابع رفاه اجتماعی و توابع رالز و مطلوبیت‌گرایان و تساوی‌گرایان آمد چندان معنایی نخواهد داشت. در دیدگاه اسلام که فرد و جامعه هر دو دارای هویت هستند هم بهینه‌های فردی و هم بهینه جمعی، اولویت بهینه جمعی، دارای اهمیت هستند. تخصیص منابع، نیازهای فردی و جمعی را پوشش می‌دهد و بر همین اساس به هر دو جنبه توجه می‌کند. این ویژگی پشتوانه‌ای برای استخدام اقتصاد مختلط و وجود مالکیت دولتی در کنار مالکیت خصوصی است. همچنین، نحوه تخصیص منابع برای تأمین رفاه جمعی و تفاوت‌های آن با تصمیم‌سازی مکاتب فردگرا نظیر انتخاب عمومی می‌تواند محور مقاله‌ای دیگر باشد.

نتیجه‌گیری

زندگی اجتماعی بدون حاکمیت ترتیبات و نظمی که متضمن دستیابی انسان‌ها به اهداف از زندگی اجتماعی باشد ممکن نیست. اصول و قواعدی که ماهیت این ترتیبات و سازمان اجتماعی را تشکیل می‌دهد نمی‌تواند غایت و منتهای ترتیبات مورد نظر را نادیده بینگارد.

در نگرش اقتصادی دوره اخیر تمدن مغرب زمین مبتنی بر سرمایه‌داری، کارایی ابزاری برای رشد و تولید هرچه بیشتر کالاها و خدمات با استفاده از امکانات محدود و کمیاب برای پاسخگویی تا حد ممکن نیازهای بی‌شمار انسان است. بنیان‌های نگرش مزبور انسان براساس اصالت به تمایلات درونی قابل درکش شناسایی شده که ملازم با زندگی این جهانی است و لذت و خوشی و رفاه و سعادت او با تکیه بر این تمایلات تعریف می‌شود. در این صورت حداکثرسازی مطلوبیتی که از رشد تولید حاصل می‌شود هدف نظام اقتصادی و کارایی ابزاری اصیل برای نیل به آن است. در نتیجه عدالت در سایه تحقق کارایی و مترتب بر آن تعریف می‌شود.

در دیدگاهی که از سویی عدالت را رفیع‌تر و مهم‌تر از آن می‌داند که تحت‌الشعاع مطلوبیت قرار گیرد و از سوی دیگر کمیابی منابع برای دستیابی انسان به اهدافش را نیز به رسمیت می‌شناسد، عدالت می‌تواند با کارایی معارضه کند و در مواردی مانند کالاهای اساسی و اولیه حتی بر کارایی تقدم یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

در دیدگاه اسلامی افزون‌بر اینکه عدالت از چنان رفعتی برخوردار است که در سایه مطلوبیت و کارایی قرار می‌گیرد کمیابی به معنایی که در اقتصاد متعارف اساس بهینه‌یابی تخصیص منابع قرار می‌گیرد نیز مورد انکار است.

اعتقاد به هدفمندی آفرینش انسان و جهان متضمن تعریف نیاز و ارضای آن در راستای دستیابی انسان به کمال و سعادت متناسب با جنبه الهی وی است. در این صورت صرف وجود نیاز، باید همراه با امکان تأمین باشد، وگرنه با حکمت خالق حکیم و توانا ناسازگار است. عدالت اجتماعی در اسلام با ارضای این نیازها برای همه انسان‌ها و عدم ترجیح برخی بر برخی دیگر تعریف می‌شود. ازاین‌رو کمیابی منابع برای تأمین نیازهایی که در راستای کمال انسان هستند وجود نداشته و نمی‌تواند مشکل اساسی اقتصاد تلقی شود.

مشکل اساسی اقتصاد این است که نیازهای برخی انسان‌ها به هزینه افراط برخی دیگر در تأمین نیازهای صحیح و ناصحیح نادیده گرفته می‌شود. در چنین حالتی هر دو طرف، محروم و مستغنی، از حرکت تکاملی محروم می‌مانند. انسان منابعی را با ظلم و جور و کفران ضایع کرده که خداوند برای رفع نیازهای حقیقی‌اش در اختیار او قرار داده است. ظلم انسان در زمینه اقتصاد در توزیع‌های نادرست و کفران نعمت در اینکه در عمران و آبادی طبیعت اهمال کرده و منابع را به درستی استفاده نکرده تجلی پیدا می‌کند.

بدین‌ترتیب عدالت شرط حتمی تأمین نیازهای حقیقی انسان برای نیل به سعادت بوده و یگانه معبر و مدخل به هر فضیلت و هدفی در جامعه اسلامی است. در نتیجه بهترین و مؤثرترین استفاده از امکانات و عوامل موجود نیز باید در راستای تحقق عدالت در جامعه تعریف شود. اکنون می‌توان در مورد نسبت کارایی و عدالت با صراحت مدعی شد که کارایی شیوه‌ای برای تحقق عدالت در جامعه است و اگرچه در تحقق مقدم بر عدالت است، اما در رتبه مؤخر از عدالت می‌باشد.

www.SID.ir

Archive of SID

منابع

۱. آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۳)، غررالحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح میرجلاالدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران.

۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، غررالحکم و درر الکلم، شرح آقا جمال‌الدین خوانساری، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۳. امیری، هادی؛ روح‌الله شهنازی و زهرا دهقان شبانی (۱۳۹۱)، اقتصاد بخش عمومی (۱)، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

۴. جوادی آملی، عبدالله(۱۳۷۱)، فلسفه و اهداف حکومت اسلامی، مجله فرآیند مدیریت و توسعه، پاییز ۱۳۷۱ – شماره ۱۸، ص۱ تا ۱۵).

۵. چپرا، محمدعمر (۱۳۸۴)، اسلام و چالش اقتصادی، مترجمان حسین میرمعزی و همکاران، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۶. دادگر، یداله (۱۳۷۸)، «کنکاشی مقدماتی در: کارایی، رفاه و عدالت در اسلام و اقتصاد متعارف»، فصلنامه نامه مفید، ش۱۷، ص۴۱–۷۲.

۷. رضایی، مجید (۱۳۸۳)، «جایگاه نهاد دولت در عرصه اقتصاد»، مقاله ۲، دوره ۴، ش۱۴، ص۳۷–۶۲.

۸. رفیعی آتانی، عطاءالله (۱۳۸۶)، «جایگاه دولت در نظام اقتصادی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۲۸، ص۳۸–۵۹.

۹. رنانی، محسن (۱۳۸۵)، «عدالت در خدمت کاتالاکسی»، روزنامه شرق، ۸۵/۲/۱۹، ش۷۵۵، ص۲۴.

۱۰. سبحانی، حسن (۱۳۹۱)، گستره اقتصاد اسلامی، تهران: سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم اسلامی.

۱۱. سجادیه، علیرضا؛ عادل پیغامی و محمدصادق تراب‌زاده جهرمی (۱۳۹۵)، گفتارهایی در عدالت اجتماعی، ج۱، تهران: دانشگاه امام صادق﵇.

۱۲. صدر، سیدکاظم (۱۳۷۵)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۳. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۸۲)، اقتصادنا، قم: بوستان کتاب.

۱۴. عیوضلو، حسین (۱۳۸۹)، «مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش۲، ص۵–۲۶.

www.SID.ir

Archive of SID

۱۵. الکلینی، محمّد بن یعقوب (۱۴۳۰ه. ق)، الکافی، ج۲، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۱۶. گیلک حکیم‌آبادی، محمدتقی (۱۳۸۰)، دولت و سیاست‌های اقتصادی، در دانشنامه امام علی، ص۳۱۵-۳۸۰، تهران: مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۷. مالک، محمدرضا (۱۳۸۲)، «وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش۱۵، ص۳۷-۶۸.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، مجموعه آثار شهید مطهری، ج۲۶، تهران: صدرا.
۱۹. موسویان، عباس (۱۳۸۱)، «دولت در اقتصاد از دیدگاه اندیشمندان اهل سنت، در نقش دولت در اقتصاد»، به اهتمام سعید فراهانی، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ص۱۵۵-۱۹۴.
۲۰. موسویان، عباس (۱۳۸۲)، «جایگاه دولت از دیدگاه اسلام»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۰ ص۵۵-۷۹.
21. Kahf, Monzer (2014), *Notes on Islamic Economics: Theories and Institutions*, Published by: Monzer Kahf.
22. Blaug, Mark (2007), "The Fundamental Theorems of Modern Welfare Economics, Historically Contemplated", *journal of History of Political Economy*, 2007, 39, (2), 185-207.
23. Buchanan, Allen (1985), *Ethics, efficency and the Market*, CLAREVDON PRESS, Oxford.
24. Layard, P.R.G. and Walters, A. A. (1978), *Micro economic theory*, McGraw-Hill, newYork.
25. Mathis, Klaus. et al. (2009), *Efficiency Instead of Justice?: Searching for the philosophical foundations of the economic analysis of law*, Springer, Dordrecht.
26. Musgrave, R.A. and Musgrave, p. (1989), *Public Finance In Theory And Practice*, 5th Edition, McMRAW-HILL BOOK COMPANY.
27. Posner, Richard A. (1981), *The Economics of Justice, Harvard University Press*, Cambridge, Massachusetts and London, England.
28. Rawls, John(1971), A theory of Justice, Cambridge University Press.
29. Tutulmaz, onur (2014), "The Relationship of Technical Efficiency with Economical or Allocative Efficiency", *An Evaluation Journal of Research in Business and Management*, Vol.2, Issue 9, pp: 01-12.
30. weizel, Tim (2004), *Economics of Standards in Information Networks*, Physica-Verlag Heidelberg.
31. Wicksell, Knut (1967) [1901, Swedish original edition]. *Lectures on Political Economy*, Vol. 1, Routledge and Kegan Paul, Ltd., London.

www.SID.ir